

به ما نگفتند!

<"xml encoding="UTF-8?">

راستش را به ما نگفتند یا لاقل همه راست را به ما نگفتند.

گفتند: تو که بیایی خون به پا می کنی، جوی خون به راه می اندازی و از کشته پشته می سازی و ما را از ظهور تو ترسانند.

درست مثل اینکه حادثه ای به شیرینی تولد را کتمان کنند و تنها از درد زادن بگویند.

ما از همان کودکی، تو را دوست داشتیم. با همه فطرتمان به تو عشق می ورزیدیم و با همه وجودمان بی تاب آمدنت بودیم.

عشق تو با سرشت ما عجین شده بود و آمدنت، طبیعی ترین و شیرین ترین نیازمان بود.

اما کسی به ما نگفت که چه گلستانی می شود جهان، وقتی که تو بیایی.

همه، پیش از آنکه نگاه مهرگستر و دست های عاطفه تو را توصیف کنند، شمشیر تو را نشانمان دادند.

آری، برای اینکه گل ها و نهال ها رشد کنند، باید علف های هرز را وجین کرد و این جز با داسی برنده و سهمگین، ممکن نیست.

آری، برای اینکه مظلومان تاریخ، نفسی به راحتی بکشند، باید پشت و پوزه ظالمان و ستمگران را به خاک مالید و نسلشان را از روی زمین برچید.

آری، برای اینکه عدالت بر کرسی بنشیند، باید سریر ستم آلوده سلطنت را واژگون کرد و به دست نابودی سپرد.

و این ها همه، همان معجزه ای است که تنها از دست تو برمی آید و تنها با دست تو محقق می شود.

اما مگر نه اینکه این ها همه مقدمه است برای رسیدن به بهشتی که تو بانی آنی.

آن بهشت را کسی برای ما ترسیم نکرد.

کسی به ما نگفت که آن ساحل امید که در پس این دریای خون نشسته است، چگونه ساحلی است؟! کسی به ما نگفت که وقتی تو بیایی:

پرندگان در آشیانه های خود جشن می گیرند و ماهیان دریاها شادمان می شوند و چشمه ساران می جوشند و زمین چندین برابر محصول خویش را عرضه می کند. 1

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

دل های بندگان را آکنده از عبادت و اطاعت می کنی و عدالت بر همه جا دامن میگسترد و خدا به واسطه تو دروغ را ریشه کن می کند و خوی ستمگری و درندگی را محو می سازد و طوق ذلت بردگی را از گردن خلائق برمیدارد. 2

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

ساکنان زمین و آسمان به تو عشق میورزند، آسمان بارانش را فرو میفرستد، زمین، گیاهان خود را می رویاند. .. و زندگان آرزو می کنند که کاش مردگانشان زنده بودند و عدل و آرامش حقیقی را می دیدند و می دیدند که خداوند چگونه برکاتش را بر اهل زمین فرو می فرستد. 3

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

همه امت به آغوش تو پناه می آورند همانند زنبوران عسل به ملکه خویش.

و تو عدالت را آنچنان که باید و شاید در پهنه جهان می گستری و خفته ای را بیدار نمی کنی و خونی را نمی ریزی.

4

به ما نگفته بودند که وقتی تو بیایی:

رفاه و آسایشی می آید که نظیر آن پیش از این، نیامده است. مال و ثروت آنچنان وفور می یابد که هر که نزد تو بیاید فوق تصورش، دریافت می کند. 5

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

اموال را چون سیل، جاری می کنی و بخشش های کلان خویش را هرگز شماره نمی کنی. 6

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

هیچ کس فقیر نمی ماند و مردم برای صدقه دادن به دنبال نیازمند می گردند و پیدا نمی کنند. مال را به هر که عرضه می کنند، می گوید: بی نیازم. 7

ای محبوب ازلی و ای معشوق آسمانی!

ما بی آنکه مختصات آن بهشت موعود را بدانیم و مدینه فاضله حضور تو را بشناسیم، تو را دوست می داشتیم و به تو عشق می ورزیدیم.

که عشق تو با سرشت ها عجین شده بود و آمدنت طبیعی ترین و شیرین ترین نیازمان بود.

ظهور تو بی تردید بزرگترین جشن عالم خواهد بود و عاقبت جهان را ختم به خیر خواهد کرد.

کلک مشاطه صنعش نکشد نقش مراد

هرکه اقرار بدین حسن خداداد نکرد

پی نوشت ها :

1. پیامبر اکرم (ص): فعند ذلک تفرح الطیور فی اوکارها و الحیتان فی بحارها و تفیض العیون و تنبت الارض ضعف اکلها: ینابیع الموده، ج 2، ص 136

2. پیامبر اکرم (ص): یفرج الله بالمهدی عن الامه، یملأ قلوب العباد عباده و یسعهم عدله، به یمحق الله الکذب و یدهب الزمان الکلب و یخرج ذل الرق من اعناقکم: بحارالانوار، ج 51، ص 75

3. پیامبر اکرم (ص): یحبہ ساکن الارض و ساکن السماء و ترسل السماء فطرها و تخرج الارض نباتها. لاتمسک منه شیئا، یعیش فیهم سبع سنین او ثمانیا او تسعا. یتمنی الاحیاء الاموات لیروالعدل والطمأنینه و ماصنع الله باهل الارض من خیره: بحارالانوار، ج 51، ص 104

4. پیامبر اکرم (ص): یاوی الی المهدی امته کما تاوی النحل الی یعسوبها و یسطرالعدل حتی یکون الناس علی مثل امرهم الاول - لایوقظ نائما و لا یهریق دما-: منتخب الاثر، ص 478

5. پیامبر اکرم (ص): تنعم امتی فی دنیاہ نعیمما لم تنعم مثله قط. البر منهم والفاجر و المال کدوس یتیه الرجل فیحثوله: البیان، ص 173

6. پیامبر اکرم (ص): یفیض المال فیضا و یحثوالمال حثوا و لایعده عدا: صحیح مسلم، ج 8، ص 185

7. پیامبر (ص): یفیض فیهم المال حتی یهم الرجل بماله من یقبله منه حتی یتصدق فیقول الذی یرضه علیه لا ارب لی به: مسند احمد، ج 2، ص 530.